

«تداوم اندیشه» زبان مشترک معماری مجموعه‌های مذهبی دارالسلطنه تبریز از قرن هفتم تا نهم قمری^۱

میر محمدجواد پورهادی حسینی^۲

لیدا بلیلان اصل^۳

سحر طوفان^۴

محمدرضا پاکدل فرد^۵

چکیده: اندیشه به عنوان یک زبان مشترک، از ابتدا در پس معماری این سرزمین دیده می‌شود؛ به همین دلیل صاحب‌نظران بسیاری در پی تبیین و تجلی زبان مشترک در آثار معماری بوده‌اند. در هر دوره از تاریخ، ظهور بناهای جدیدی را شاهدیم که با حفظ الگوهای دوره‌های قبلی سعی بر تداوم اندیشه، به شکلی مناسب‌تر از قبل می‌باشند. در این میان، مجموعه‌های مذهبی بیشترین سهم از معماری این سرزمین را به خود اختصاص داده‌اند. نگارندگان این پژوهش بر آن‌اند تا با بررسی مجموعه‌های مذهبی قرن هفتم تا نهم قمری شهر تبریز، اندیشه و زبان مشترک معماری ایرانی اسلامی را تبیین کنند. تحقیق براساس یک روش ترکیبی، شامل تاریخی تفسیری و راهبرد کلی توصیفی - تحلیلی پیش رفته است. نتایج حاکی از آن است که معماری ایرانی - اسلامی براساس «تداوم اندیشه» شکل گرفته است که این اندیشه به شکل زبان مشترک و الگو در آثار دیده می‌شود و نشأت گرفته از مفاهیم معنایی - انتزاعی و عملکردی - ظاهری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تداوم معماری، زبان مشترک، اندیشه، مجموعه‌های مذهبی، تبریز، قرن هفتم تا نهم قمری

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری، میر محمد جواد پورهادی حسینی با عنوان تأویل مفهوم تداوم به‌عنوان زبان مشترک معماری مجموعه‌های مذهبی شهر تبریز از قرن ۷ الی ۱۱ ق. که با راهنمایی‌های نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در حال انجام است.

۲ پژوهشگر دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
Moh.phdi@yahoo.com

۳ دانشیار گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

lidabalilan@hotmail.com

sahar.toofan@gmail.com

Rezapakdel2000@yahoo.com

۴ استادیار گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۵ استادیار گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۹/۱۰/۱۲

Continuity of Thought, Common Language of Architecture of the Religious Complexes of the Sultanate of Tabriz during 7th -9th Centuries AH

Mir Mohammad Javad Pourhadi Hosseini^۱

Lida Balilan Asl^۲

Sahar Tofan^۳

Mohammad Reza Pakdel^۴

Abstract: Thought has been seen as a common language as the backbone of the architecture of this land from the beginning, therefore, many experts have sought to explain and manifest a common language in architectural works. In each period of history, the development of new buildings can be a witness for maintaining the patterns of the previous periods while trying to preserve the continuity of thought in a more appropriate way than before. Meanwhile, religious complexes have the largest share of the architecture of this land. This research aims to study the religious complexes of the 7th-9th centuries A.H. Tabriz city to clarify the thought and common language of Iranian Islamic architecture. The research is based on a combined method including historical interpretive and general descriptive-analytical approach, and the results indicate that Iranian-Islamic architecture is based on the continuity of thought, which can be seen as a common language and pattern in works derived from abstract, cultural, and social concepts.

Keywords: Continuity in architecture, common language, thought, religious complexes, Tabriz, 7th -9th centuries AH.

۱ Ph.D. Researcher in Architecture, Department of Art and Architecture, Tabriz University, Islamic Azad University, Tabriz, Iran Moh.phdi@yahoo.com

۲ Associate Professor of Art and Architecture, Tabriz University, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author) lidabalilan@hotmail.com

۳ Asistent Professor of Art and Architecture, Tabriz University, Islamic Azad University, Tabriz, Iran sahar.toofan@gmail.com

۴ Asistent Professor of Art and Architecture, Tabriz University, Islamic Azad University, Tabriz, Iran Rezapakdel2000@yahoo.com

مقدمه

یکی از ویژگی‌های معماری این سرزمین، حضور مجموعه‌های مذهبی است که حتی قبل از اسلام نیز از ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردار بوده‌اند. حضور چشمگیر این بناها از همان آغاز تمدن و ادامه‌دار بودن آن در قرون متمادی قابل توجه است. مجموعه‌های مذهبی به عنوان محلی برای تجمع افراد برای حل و فصل امور روزمره در طول صدها سال، توجه حاکمان و مردم را به دنبال داشته است. این مجموعه‌ها جایگاه ویژه‌ای در زندگی اجتماعی مردم به دست آورده بودند؛ به‌ویژه آنکه با ورود اسلام به ایران نقش محوری ایفا کردند و نه تنها به عنوان یک فضای قدسی، بلکه به عنوان یک عرصه حکومتی و سیاسی نیز نقش داشته‌اند. در دهه‌های اخیر، با گسست در اندیشه معماری و عدم انتقال اندیشه و تجارب معماران گذشته، ناتوانی در درک مفاهیم سنت و مدرنیته (مانند سایر هنرها)، دامان معماری به‌ویژه ابنیه تأثیرگذار مانند مجموعه‌های مذهبی را گرفته است. با وجود آنکه معماری ایران از بستر غنی فرهنگی برخوردار است، اما خلاقیت و تعالی از معماری مساجد سلب شده است.

برای فهم اندیشه در معماری، باید زبان معماری را شناخت؛ زیرا شناخت زبان علاوه بر اینکه بخش اعظم افکار بشر را بیان می‌کند، گویش‌ها، علائم و نشانه‌های دیگر نیز دارد که انتقال دهنده افکار آدمی می‌باشند و به یاری آنها انسان می‌تواند مجموعه‌های پیچیده فرهنگ خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل سازد. ساختار معماری علاوه بر اینکه گویای هنر معماری زمان خویش است، نمودی از فلسفه، تاریخ، فرهنگ و اجتماع زمان خود دارد که بیان کننده اندیشه یک جامعه می‌باشد. بنابراین این اندیشه است که به عنوان شالوده فکری در پس‌زمینه معماری این سرزمین همیشه نقش بسزایی ایفا کرده است.

«تداوم» از مفاهیمی است که برداشت‌های ناهمگونی از آن وجود دارد. سالیانی است که نظریه‌پردازان و محققان معماری ایران، در پی خوانش و فهم معماری ایرانی اسلامی بوده‌اند، اما گوناگونی تعابیر به کاررفته درباره مفاهیم و اصول معماری، کمبود مباحث نظری درباره ویژگی‌های معماری و عدم شناخت کافی از آن و همچنین عدم معرفی دقیق اندیشه و زبان مشترک در معماری ایرانی اسلامی، سبب شده است تا به این موضوع پرداخته و با تدقیق در پژوهش‌های قبلی، به دریچه‌ای جدید درباره شناخت اندیشه، زبان مشترک و

تداوم آنها در معماری ایرانی-اسلامی دست یابیم. از جمله آنکه غلامرضا نعیم (۱۳۹۵) در کتاب *سیر تحول معماری ایران سعی کرده ویژگی‌های هر دوره تاریخی بعد از اسلام را مطرح و سیر تداومی این ویژگی‌ها را بیان کند*. بلیلان، اعتصام و اسلامی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران» پرداخته‌اند. پریسا صحافی اصل و حبیب‌الله آیت‌اللهی (۱۳۹۰) تداوم عناصر تزئینی معماری ایران باستان در معماری اسلامی ایران تا پایان دوره صفوی با مقایسه تطبیقی میان تزئینات وابسته به معماری بناهای ایران پیش از اسلام و عناصر تزئینی ایران در دوران اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. مصطفی کیانی با همکاری اشکان بهجو و نوشین راستیان طهرانی (۱۳۹۴)، به تداوم فضایی در معماری معاصر ایران و بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی پرداخته‌اند. سعید گلستانی، عیسی حجت و مهدی سعدوندی (۱۳۹۶) مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران را با مفهوم فراگیر پیوستگی فضایی مورد بررسی قرار داده‌اند.

ماهیت پژوهش حاضر، تحقیق تاریخی برای تبیین اندیشه‌های موجود در پس کالبد معماری است که به عنوان زبان معماری مطرح می‌شود. این پژوهش تعمق همزمان در منابع تاریخی و مکتوب و همچنین بررسی عینی نمونه‌ها را طلب می‌کند. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات پیمایشی و میدانی به دست آمده است. این پژوهش با بهره‌گیری و استناد به تصاویر، نقشه‌ها و نوشته‌های تاریخی در دسترس و همچنین بازخوانی و تفسیر اسناد تاریخی صورت پذیرفته است. در نهایت، راهبرد کلی انجام این پژوهش رویکرد توصیفی-تحلیل تفسیری می‌باشد. بر همین اساس، نگارندگان پژوهش حاضر درصددند با:

- تبیین اندیشه معماری ایرانی-اسلامی به عنوان اصلی‌ترین عنصر تداوم در طول ادوار تاریخی؛
- توصیف رابطه اندیشه و زبان به عنوان زبان مشترک و تدوین چارچوب زبان الگوی معماری ایرانی اسلامی؛
- تدوین زبان الگوی معماری براساس دو دیدگاه مبتنی بر مؤلفه‌های معنایی-انتزاعی و عملکردی-ظاهری،
- تداوم اندیشه در معماری مجموعه‌های مذهبی شهر تبریز طی قرون هفتم تا نهم قمری را بیان کند.

پژوهش پیش رو بر این فرض استوار است که عامل تداوم در معماری ایرانی-اسلامی حاصل اندیشه‌ای است که براساس مفاهیم «معنایی، انتزاعی» و «عملکردی، ظاهری» شکل یافته و این مفاهیم در اصل زبان معماری ایرانی-اسلامی را تشکیل می‌دهند.

زبان و اندیشه

شناخت بنیادین معماری و بیان اندیشه آن که امروزه در معماری این سرزمین از تداوم باز مانده، این نوید را می‌دهد که با تدقیق در اندیشه و زبان، فرصت دوباره‌ای برای گره زدن اندیشه‌ها در کالبدی نو امکانپذیر می‌شود. این امر میسر نخواهد شد مگر اینکه با اندیشه و زبان در معماری آشنا شویم. شناخت اندیشه و مفاهیم معماری مستلزم بازگشت به معنای حقیقی آثار و نیت‌های بیان شده هنرمند می‌باشد. در واقع، این عمل با شناخت زبان معماری میسر خواهد شد؛ زیرا این زبان است که واسطه شفاف برای فهم اندیشه است.

مطابق نظریه «زبان، بنیاد جهان» ویتگنشتاین،^۱ زبان به مثابه دانش و ابزار فاهمه است، نه فقط ابزار میانجی در تحقیقات فلسفی که رهیافت دوم زبان در فلسفه است. طبق نظریه ویتگنشتاین، «زبان» اندیشه است و بخشی از حیات انسانی است. او از زبان به مثابه شالوده فهم و اندیشیدن یاد کرده است (پورحسن، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

مبدأ تاریخی این اندیشه که یک یا بیش از یک زبان معماری وجود دارد، یا باید وجود داشته باشد، به دوران باستان می‌رسد. در شکل کلاسیک آن، نظریه «معماری به مثابه زبان» از «ویتروویوس» که می‌گفت شیوه‌های کلاسیک قوانینی را برای ترکیب و انتظام اجزای معماری عرضه می‌کند تا مدل آلبرتی^۲ برای شرح معماری که از فن بلاغت الهام گرفته بود و مقایسه‌ای است میان قوانین معماری و بیان معماری با زبان لاتین که در بین نویسندگان عصر رنسانس و مدرن متقدم (نظیر رن^۳) همواره ادامه داشته است. لاولین^۴ (۱۹۹۲) گفته است «کاترمیر دوکنسی»^۵ (۱۸۰۳) نظریه معماری به مثابه زبان را از یک

۱ Ludwig Josef Johann Wittgenstein: از مهم‌ترین فیلسوفان که نظریاتی درباره زبان دارد.

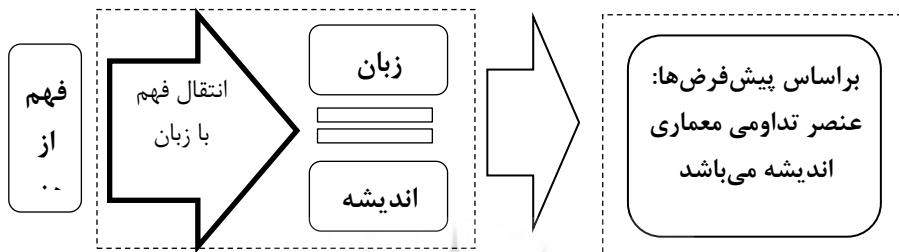
۲ لئون باتیستا آلبرتی (Leon Battista Alberti) نویسنده، هنرمند، شاعر و معمار ایتالیایی دوره رنسانس بود.

۳ سر کریستوفر رن (Sir Christopher Wren) ستاره‌شناس، هندسه‌دان و معمار مشهور انگلیسی قرن هفدهم بود.

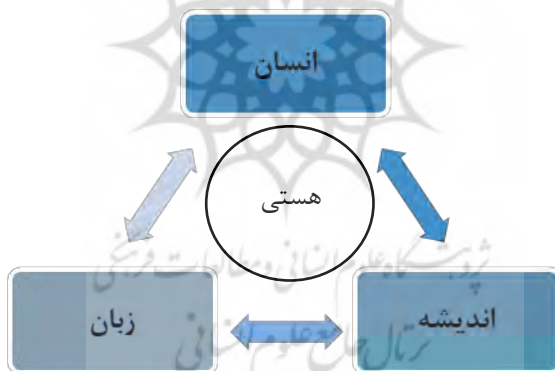
۴ سیلویا لاولین (Sylvia Lavin) نویسنده و استاد معماری دانشگاه یوسی ال است.

۵ آنتوان کاترمیر دوکنسی (Antoine Quatremere de Quincy) باستان‌شناس و نظریه‌پرداز معماری فرانسوی در قرن هجدهم میلادی بود.

دیدگاه سنتی که شیوه‌های کلاسیک را به‌مثابه قوانین ساختمانی می‌بیند و به صورت مستقیم ساختار اولیه را ارائه می‌دهد و به سمت دیدگاه مدرن که در آن عناصر ساختاری به‌طور گسترده ایده‌ها و اصول اجتماعی و اخلاقی را ارائه می‌دهد، گسترش یافته است. این نظریه طیف وسیعی را شامل عناصر یک زبان معمارانه، اینکه چگونه از این زبان استفاده می‌شود و از کجا ممکن است مشتق شود، پوشش می‌دهد (فیشر، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۸).



دیاگرام ۱. چارچوب نظری (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)



دیاگرام ۲. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

امروزه زبان معماری شامل واژگانی مانند فرم و مصالح است. محققان کوشیده‌اند براساس نظریات مختلف زبان‌شناسی و تعمیم آنها در حوزه معماری، به بیان زبانی معماری بپردازند. «کریستوفر الکساندر»^۱ از دانشورانی است که سعی کرده برای

۱ Christopher Wolfgang Alexander (۱۹۳۶ تاکنون): معمار اتریشی، نظریه‌پرداز معاصر و مشهور به پدر زبان‌های الگو.

زبان معماری، ماهیت زبان الگو در نظر بگیرد: «انسان‌ها می‌توانند با استفاده از زبان‌هایی که من آنها را زبان الگو می‌نامم، بناها را شکل دهند و قرن‌ها چنین کرده‌اند. زبان الگو به کسی که آن را به کار می‌برد، قدرت می‌دهد که بی‌نهایت بنای تازه و بی‌همتا به وجود آورد؛ درست همان‌طور که زبان عادی به او قدرت می‌دهد که بی‌نهایت جمله متنوع بسازد» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۴۵). همچنین هر شهر و بنا هویت خود را از رویدادها و الگوی رویدادهایی می‌گیرد که پیوسته و بارها در آنجا اتفاق می‌افتد و الگوی رویدادها به نحوی با فضا پیوند دارند (همو، همان، ۶۹). پس گویی بخش اعظم ساختار هر بنا یا شهر متشکل از الگویی از نسبت‌ها و روابط است (همان، ۷۴). زبان الگو عملاً به ما قدرت می‌دهد ترکیب‌های منسجم فضاها را ایجاد کنیم (همان، ۱۶۲).

نکته مهم‌تر آن است که فقط شهرها و بناها نیست که از زبان‌های الگویی ناشی می‌شود، بلکه کیفیت آنها نیز چنین است. حتی حیات و زیبایی پرابهت‌ترین بناهای بزرگ دینی، همه از زبان‌هایی نشأت می‌گیرند که سازندگان آنها به کار برده‌اند (همان، ۱۸۳). محققان سعی کرده‌اند در مورد زبان به این جمع‌بندی برسند که براساس نظریات مختلفی که در حوزه زبان‌شناسی وجود دارد، به‌طور کلی زبان به عنوان واسطه تحقیق بیان معرفی می‌شود. زبان می‌تواند به هر چیزی که در قالب یک سیستم تعریف شده و بنا بر اصول، مفاهیم و قواعد تدوین شده به عنوان ابزار بیان اندیشه برای قابل ادراک و احساس کردن ایده‌ها، مشهودات و انگاره‌ها برای بروز در عالم برون و به اشتراک گذاشتن با دیگران به کار می‌رود، اطلاق شود. بنابراین انتظار می‌رود باور و فرهنگی همسان در اندیشه، طریق بیان مشترک و همسان را از طریق به کارگیری ابزار، اجزا و عناصر مشترک مورد استفاده در پی داشته باشد (پورجعفر، یگانه و فراهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). اندیشه‌های ما همانند روحی‌اند که تا در جسمی جای نگیرند، مفهوم و معنایی برای کسی ندارند؛ جسم همان زبان ماست. تا هنگامی که اندیشه بر زبان ما جاری نشود، منتقل نخواهد شد. پس پرواضح است که اندیشه‌های ما در هر فرهنگی وابسته و محتاج به زبان آن جامعه است. به عبارت دیگر، ما کاملاً محدود به زبانمان هستیم. اگر ما در زبان نقص یا کمبودی داشته باشیم و کاملاً از نظر ما پنهان و نامحسوس

باشد، این نواقص به اندیشه‌های ما منتقل خواهد شد. بر همین اساس، برای تبیین اندیشه در پس کالبد معماری، به بررسی زبان معماری ایرانی-اسلامی و تدوین چارچوب زبان مشترک می‌پردازیم.

زبان و اندیشه معماری ایرانی-اسلامی

دنیای امروز به شدت مبتلا به تشمت آرا در بین مخاطبان عقاید گوناگون است. جست‌وجوی زبان مشابه در بین اقوام و ادیان متفاوت، نتیجه جدال بر سر مفاهیمی است که گاه در معنا همگون، اما در صورت متفاوت‌اند (خاکپور و کاتب، ۱۳۹۶: ۵۴). چون هنر از دل فرهنگ برمی‌خیزد، دورن‌مایه و باطن فرهنگ و تمدن و مسیر حرکت آن را به ظهور می‌رساند. اگر یک فرهنگ و تمدن به شرایط بحرانی دچار شود، این بحران در هنر آن نمود پیدا خواهد کرد. در نتیجه، بررسی هنر می‌تواند وضعیت فرهنگی جامعه را به خوبی نشان دهد (نقره‌کار، ۱۳۹۵: ۴۱۰). علاوه بر این نمود، باید توجه داشت که هنر به سبب ارتباط با عموم مردم، جنبه پیشتاز نسبت به دیگر عرصه‌های فرهنگ و تمدن دارد و در هر دو سیر کمال یا انحطاط، نقش هدایتگر یا گمراه‌کننده را برعهده می‌گیرد. پیش از آنکه در هر تمدن، حوزه‌های عقلی، علمی و فلسفی آن شکل بگیرد، جنبه‌های هنری آن شکل می‌گیرد؛ همچنان‌که در عرصه زوال و انحطاط نیز هنر جلوتر از دیگر عرصه‌ها، بقیه را به دنبال خود به انحطاط می‌کشد. این ویژگی رسالت مهمی را به همه هنرها و از جمله معماری در ارتباط با فرهنگ و تمدن انسانی می‌دهد (همو، همان، ۴۱۱). در بررسی تاریخ معماری، تمامی گونه‌های بناها اهمیت دارد، اما بناهای یادمانی مهم‌تر است؛ زیرا متضمن سطح بالاتری از انتزاع است و بر جنبه‌های عمومی و نظام‌یافته و بین‌فردی نمادپردازی تأکید می‌کند. بنابراین زبان معماری را بیشتر بناهای یادمانی می‌سازد و از همین رو، تاریخ معماری بیشتر به این بناها می‌پردازد (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۵۸). با این حال، به منظور ارائه یک زبان مشترک از معماری ایرانی، باید اندیشه‌های معماری را بازخوانی کرد و براساس پیش‌فرض به تدوین چارچوب زبان معماری پرداخت.

جدول شماره ۱. آرای صاحب‌نظران (تنظیم: نگارندگان، ۱۳۹۹)

ردیف	نظریه پرداز	اندیشه	شرح
۱	محمد کریم پیرنیا	تاریخی فرهنگی معماری	۱. مردم‌واری یعنی مقیاس انسانی داشتن؛ ۲. خودبسندگی یعنی توسل به مصالح در دسترس؛ ۳. پرهیز از بیهودگی؛ ۴. نیارش؛ ۵. درون‌گرایی. او معتقد است اسلام اینها را تأیید کرده است (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۵).
۲	لطیف ابوالقاسمی	تاریخی فرهنگی معماری	همه هنرهای ایران از جمله معماری بر هشت اصل استوار بوده است. ۱. ساختار و ایستایی؛ ۲. توافق اقلیمی و استقرار؛ ۳. مسائل فنی و علمی بنا؛ ۴. منطق سالاری؛ ۵. حرمت و محرمیت؛ ۶. یکنواپرسی و پروردگارگرایی؛ ۷. استمرار؛ ۸. تأثیر شدید از فلسفه و فرهنگ و مباحث معنوی و فطری (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۰).
۳	نادر اردلان	تاریخی فرهنگی معماری	هفت اصل طراحی را منحصر به شاهکارهای معماری ایرانی می‌داند. ۱. بینش نمادین؛ ۲. انطباق محیطی؛ ۳. الگوی مثالی باغ بهشت؛ ۴. نظام‌های فضایی مثبت؛ ۵. مکمل بودن؛ ۶. مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی؛ ۷. نوآوری (اردلان، ۱۳۷۴: ۱۶).
۴	یعقوب دانش‌دوست	تاریخ فرهنگی معماری، فلسفی-معماری	یازده مورد را به عنوان مشخصه‌ها و امتیازات اصلی معماری ایرانی مطرح کرده است. ۱. خوانایی و بدون ابهام بودن؛ ۲. هندسه به عنوان عامل پیوند معماری با رازهای نظام آفرینش؛ ۳. درون‌گرایی؛ ۴. تزئینات هماهنگ با اندام‌های معماری و در جهت تحقق اهداف معمارانه بنا؛ ۵. هماهنگی فرم و عملکرد؛ ۶. بهره بردن از سازه بنا به عنوان همان طرح معماری بنا؛ ۷. تأثیر از فرهنگ کهن؛ ۸. توجه به آب‌وهوا و اقلیم؛ ۹. پذیرا بودن؛ ۱۰. حرکت‌دار بودن؛ ۱۱. جلوه‌گری کمال زیبایی (دانش‌دوست، ۱۳۷۴: ۲۰).
۵	داراب دیبا	فلسفی-معماری	درون‌گرایی، مرکزیت، انعکاس، پیوند معماری با طبیعت، هندسه، شفافیت و تداوم، راز و ابهام، تعادل موزون-توازن حساس (دیبا، ۱۳۷۸: ۹۷-۱۰۶).
۶	محمود توسلی	فلسفی-معماری	علاوه بر آنچه که پوپ، گدار، پیرنیا، اردلان و بختیار و دیگران در کتاب‌هایشان آورده‌اند، توسلی «سادگی و روشنی ترکیب متعادل و متناسب و متقابل و متوازن توده و فضا» را مشخصه اصلی معماری ایرانی می‌داند (توسلی، ۱۳۷۴: ۲۶).

ردیف	نظریه پرداز	اندیشه	شرح
۷	سید هادی میرمیران	فلسفی- معماری	شاخص‌ترین ویژگی‌های معماری ایران را این‌گونه معرفی کرده است: ۱. شفافیت؛ ۲. تواضع؛ ۳. شغف‌انگیز و شاد بودن معماری (میرمیران، ۱۳۷۴: ۲۸).
۸	علی‌اکبر صارمی	فلسفی	کمال‌گرایی، رمز و راز (چندبنیادی)، واجد مرکزیت، تداوم، اشتراک و همبستگی و در عین داشتن عناصر مشترک، متمایز بودن در منطقه (صارمی و رادمرد، ۱۳۷۶: ۴۷-۵۲).
۹	محمدرضا حائری	فلسفی- معماری	اتصال، بسط، تسلسل، تداخل، تداوم فضا، سیالیت و شناوری فضا، چند ارزشی بودن فضا، پاسخگویی معمارانه به طبیعت و اقلیم، تبعیت متقابل سازه و سازمان فضایی (حائری، ۱۳۷۴: ۳).
۱۰	حسین سلطانزاده	فلسفی- معماری	ابداع الگوهای جزء مانند ایوان و گنبد؛ ابداع طرح‌های چهار ایوانی به عنوان تکامل کاربرد ایوان و گنبد؛ ابداع و تکامل الگوهای چهارتاقی، چهار صفا و هشت‌بهشت؛ ابداع تزئینات با آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، کاربندی و مقرنس (سلطانزاده، ۱۳۷۴: ۳).

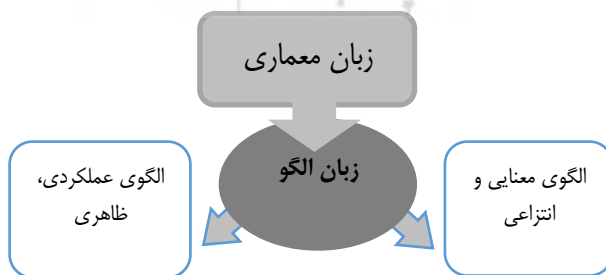
یافته‌های تحقیق

با استناد به مطالعات و جمع‌بندی آرای صاحب‌نظران دربارهٔ اندیشهٔ معماری ایرانی-اسلامی، می‌توان چنین بیان کرد که مفاهیم در شکل‌گیری تمامی آثار مؤثر بوده‌اند. همچنین عواملی چون تاریخ (زمان و مکان)، فرهنگ (آداب و رسوم) و دین در شکل‌گیری مفاهیم دخیل و مؤثر بوده‌اند. با تدقیق در مطالب گفته شده دربارهٔ اندیشه، می‌توان زبان معماری را به دو بخش کلی «دیدگاه‌های مبتنی بر مؤلفه‌های معنایی-انتزاعی» و «دیدگاه مبتنی بر مؤلفه‌های عملکردی-ظاهری» دسته‌بندی کرد؛ که طبق جدول ذیل، زبان معماری ایرانی-اسلامی در هشت بخش جزئی با عنوان زبان الگو دسته‌بندی شده است.

براساس جدول شماره ۲، زبان معماری را با دو رویکرد مؤلفهٔ معنایی-انتزاعی (فلسفی) و مؤلفهٔ عملکردی-ظاهری (تاریخی فرهنگی-اجتماعی) دسته‌بندی می‌کنیم.

جدول شماره ۲. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

ردیف	زبان معماری	زبان الگو
دیدگاه مبتنی بر مؤلفه‌های معنایی-انتزاعی	درون‌گرایی، حرمت، محرمیت	رعایت حریم، درون‌گرایی
	تعادل موزون؛ واجد مرکزیت؛ بسط، تسلسل؛ اتصال؛ توازن حساس؛ ترکیب متعادل و متناسب و متقابل و متوازن توده و فضا	الگوی هندسی
	تأثیر شدید از فلسفه و فرهنگ و مباحث معنوی و فطری؛ تأثیر از فرهنگ کهن؛ الگوی مثالی هشت‌بهشت؛ راز ابهام؛ بینش نمادین؛ رمز و راز	نمادگرایی راز ابهام
	استمرار؛ مکمل بودن؛ ابداع الگوهای جزء مانند ایوان و گنبد؛ ابداع طرح‌های چهار ایوانی به عنوان تکامل کاربرد ایوان و گنبد؛ ابداع و تکامل الگوهای چهارتاقی؛ متمایز بودن در منطقه نوآوری	کمال‌گرایی
دیدگاه مبتنی بر مؤلفه‌های عملکردی-ظاهری	مردم‌واری؛ مقیاس انسانی؛ منطق‌سالاری؛ مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی	انسان محور مخاطب محور
	خودبستگی یعنی توسل به مصالح در دسترس، توافق اقلیمی و استقرار، انطباق محیطی، پاسخگویی معمارانه به طبیعت و اقلیم	پایداری اقلیم
	پرهیز از بیهودگی؛ نظام‌های فضایی مثبت؛ خوانایی و بدون ابهام بودن؛ سادگی و روشنی؛ شفافیت؛ تواضع؛ شفاف‌انگیز و شاد بودن معماری؛ تداوم فضا؛ سیالیت و شناوری فضا، چند ارزشی بودن فضا؛ اشتراک و همبستگی در عین داشتن عناصر مشترک	کیفیت فضایی
	نیارش؛ ساختار ایستایی؛ تبعیت متقابل سازه و سازمان فضایی؛ بهره بردن از سازه بنا به عنوان همان طرح معماری بنا ساختار و ایستایی؛ مسائل فنی و علمی بنا	ایستایی در خدمت معماری



دیاگرام ۳ (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

خاستگاه

در سال ۵۹۲ق/۱۲۱۳م. تبریز به معروف‌ترین شهر آذربایجان تبدیل شده بود. شهری آباد با باروهای محکم و استوار از آجر و گچ که پیرامون آن نهرهای بسیار جریان داشت و اطراف شهر را باغ‌ها و بستان‌ها پوشانده بود (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸: ۴۵۹؛ مشکور، ۱۳۵۲: ۴۱۹). آبادانی تبریز، ایلخانان را در دوره حکمرانی آباقاخان برانگیخت تا این شهر را در سال ۶۶۳ق. به پایتختی حکومت خود برگزیند. این انتخاب نقطه عطفی در تاریخ شهر تبریز شد و دیری نگذشت که به سرعت توسعه یافت؛ به طوری که در اندک زمانی نه تنها جای بغداد را در عالم اسلام گرفت، بلکه به مرکزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شرق میانه درآمد و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر آن شد (Giyasi, 1991: 8-12). به دنبال این موضوع و همچنین به دلیل توجه به هنر در این دوره، نگارگری مکتب اول تبریز یا مکتب مغولی (ایلخانی) در تبریز پایه‌ریزی شد؛ زیرا نقاشی در دوره مغول و بعد از آن نیز به عنوان یک هنر تزئینی، درباری و یک هنر عالی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت (سلطانزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۶). شمس‌الدین جوینی صدراعظم ایلخانان، مجموعه باغ‌ها و سراهای صاحب‌آباد تبریز را در ساحل شمالی مهران‌رود در این دوران ساخت که در مقابل آن میدان بزرگ صاحب‌آباد قرار داشت. بعدها همین میدان صاحب‌آباد در دوره آق‌قویونلوها و صفوی به میدان اصلی شهر تبدیل شد و شماری از تأسیسات اداری و مذهبی و تجاری دوران مرکزیت آن را محاصره کردند (بلیلان، ۱۳۹۷: ۷۲). مسجد جامع مهم‌ترین و قدیمی‌ترین عنصر مذهبی شهر تبریز پس از اسلام بوده است. علاوه بر مسجد جامع، مساجد مهم و درخور توجهی نیز در دوره ایلخانی احداث شدند؛ از جمله مسجد علیشاه که این بطوطه و مستوفی به ترتیب از آن این‌گونه یاد کرده‌اند: «در بیرون مسجد جامع علیشاه دست راست مدرسه‌ای و دست چپ زاویه‌ای وجود دارد. صحن آن با سنگ مرمر، دیوارها با کاشی (زلیچ) است و جوی آبی از وسط آن می‌گذرد و انواع درختان و موها و یاسمین در آن به عمل آورده‌اند» (ابن‌بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۲۶) و «در خارج محله نارمیان مسجد جامع بزرگی ساخته شده که صحنش دویست و پنجاه گز^۱ در دویست گز

۱ ذرع، چون مطلق گویند معادل شانزده گز است؛ یعنی یک متر و چهار صدم متر و در ذرع شاه یک متر و دوازده صدم یک متر است (و بیشتر در تبریز متداول است) (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸/۱۱۴۹۷).

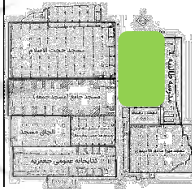
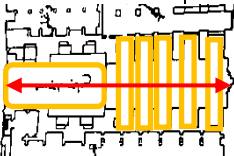

و دو صنف بزرگ از ایوان کسری به مدائن بزرگ‌تر، اما چون در عمارتش تعجیل کردند فرود آمد و در آن مسجد به انواع تکلفات به تقدیم رسانیده و سنگ مرمر بی‌قیاس در آن به کار برده» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۵۴).

تقریباً همزمان با تیموریان، ترکمانان قویونلو نیز بر بخش‌هایی از غرب ایران امروزی، ترکیه و شمال عراق امروزی حکومت می‌کردند. قراقویونلوها و آق‌قویونلوها از طوایف ترک بودند که به هنگام حمله مغول، از مکان زندگی خود در نزدیکی دریایچه آرال فرار کردند، به ایران آمدند و هر طایفه‌ای از آنان بر حسب تصادف در جایی استقرار یافتند. در سده هشتم قمری / چهاردهم میلادی پس از پایان حکومت ایلخانان مغول، این ترکمانان نیز مانند دیگر طوایف ترک و مغول از موقعیت استفاده کردند و صاحب قدرت شدند و به تصرف بخش‌هایی از ایران پرداختند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۳۴۹). حافظ حسین کربلایی تبریزی نوشته است: «در درآمد تبریز بجانب شرق که خیابان گویند عمارتی است در کمال لطافت و نیکویی موسوم به مظفریه از مآثر ابوالمظفر جهانشاه پادشاه بن قرأیوسف بن توره مش بن بیرام خواجه ترکمان و این طبقه را قراقویونلو و بارانی نیز گویند. گویا این عمارت بسعی و اهتمام حرم محترم وی خاتون جان بیگم انارالله برهانها بنا شده و مشار الیه بسیار بسیار خیره و صالحه و عقیفه بوده، در همان بقعه مدفون است و میرزا جهانشاه که حقیقی تخلص کردی و پادشاه عظیم الشان بود در دوازدهم شهر ربیع الثانی سنه اثنی و سبعین و ثمانمائه ۱۷۲ق/۱۴۶۷م. بدست حسن پادشاه کشته گشت با اکثر اولاد در آن مقبره^۱ مدفونند» (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱/۵۲۴). اولیاء چلبی نیز در گاه مسجد جهانشاه را بلندتر از طاق کسری بیان کرده است. «بنائی عالی که با کاشیهای زیبا آراسته شده، گنبدهای بلند دارد، همه در و دیوار آن با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته و جامع دل انگیزی است» (اولیاء چلبی، ۱۳۳۸: ۱۶). براساس مطالعات تاریخی درباره شهر تبریز که از اواسط قرن هفتم تا اواخر قرن نهم قمری اتفاقات بسیاری به لحاظ سیاسی، حکومتی، دینی در آن رخ داده، در این میان ابنیه‌هایی نیز ساخته شده است که متأسفانه! در برابر زلزله‌های مهیب و همچنین ناملایمی‌ها دوام نیاوردند. در این میان،

۱ از مقبره جهانشاه و قبور اولادش در آن محل نشانی باقی نیست (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱/۵۲۴).

سه بنای ویژه و تأثیرگذار دیده می‌شود که توجه بیشتر سیاحان و تاریخ‌نویسان را به خود جلب کرده و توانسته است بخشی از بنای خود را در برابر عوامل طبیعی و تعارضات حفظ کند. این بناها در اینجا مورد مطالعه قرار خواهند گرفت:

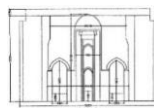
جدول شماره ۳. بررسی مؤلفه‌های معنایی و انتزاعی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

مؤلفه‌های مبتنی بر مفاهیم معنایی و انتزاعی				ردیف	مورد	توضیح
زبان الگوی نمادگرایی راز ابهام	زبان الگوی کمال‌گرایی	زبان الگوی هندسی	زبان الگوی رعایت حریم-درون‌گرایی			
<p>نشانه‌های ظاهری کاربردی بالای درگاه؛ نیم‌کار درگاه دوم و رسمی‌بندی فضای پیش ورودی مشاهده کرد که نه تنها در نقش پوشاننده عملکردی بوده، بلکه با تبدیل پلان به سقف، حرکت از زمین به آسمان و عالم بالا را تداعی می‌کند؛ و از این نشانه‌ها، نشانه‌های معنایی‌اند که درگاه با اختلاف سطح نسبت به صحن، به یادآورنده معانی سفر معنوی و کنده شدن از عالم بیرون و راهی شدن به سمت عالم بالا را القا می‌کند (شجاری، سلخی خسرقی و آصفی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).</p>	<p>هندسه کشیده و طولی بارز در راستای قبله و توالی ایوان بلند در این راستا باعث پویایی مسجد شده که ناظر را وادار به انجام حرکت فیزیکی و قدم زدن در این راستا می‌کند. هنگام حرکت در فضای مسجد مؤلفه‌های پویایی حرکت فیزیکی ناظر را تبدیل به حرکت بصری می‌کنند (شجاری، سلخی خسرقی و آصفی، ۱۳۹۷: ۱۶۷).</p>	<p>کشیدگی طولی (قبله در عرض)؛ فضای داخلی طاقی؛ فضای چلیپایی محور عبادی؛ تک‌ایوانی (معماریان، غفاری و قلیزاده، ۱۳۹۶: ۵۴).</p>	<p>قرارگیری مسجد در مجاورت چند بنای مذهبی علمی و حیاط مشترک (معماریان، غفاری و قلیزاده، ۱۳۹۶: ۵۴).</p>	۱	مسجد جامع (سلجوقی)	
						

مؤلفه‌های مبتنی بر مفاهیم معنایی و انتزاعی				نوع نمونه	ردیف
زبان الگوی نمادگرایی راز ابهام	زبان الگوی کمال گرایی	زبان الگوی هندسی	زبان الگوی رعایت حریم- درون گرایی		
<p>به طوری که مشهور است در زیر این بنا سه نقب یا دالان زیر زمینی وجود دارد که یک رشته آن از ارگ به شنب غازان و رشته دیگر به باغ میشه فعلی یعنی محل سابق ربع رشیدی و رشته‌های نیز از وسط بازار گذشته و پس از عبور از زیر رودخانه آجی چای به حوالی فرودگاه می‌رسد (مجهول الموقف، ۱۳۵۱: ۴۶).</p>	<p>دیوارهای این بنا که دارای ارتفاع سرسام‌آور ۲۵ متر می‌باشند. تماما از آجر ساخته شده و ۱۰/۴۰ متر ضخامت دارند. بدون شک دیوارها در روزگار ابادانی مسجد، کاشی کاری و تزئینات دیگری چون سنگ مرمر و گچبری داشته‌اند (وهرام، ۱۳۴۹: ۲۱۹).</p>	<p>فضاهای ایوانی؛ سلسله مراتب فضایی؛ تعادل؛ الگوی حیاط مرکزی</p> 	<p>صحنش ۲۵۰ گز در ۲۰۰ گز و در او صفه‌ای بزرگ، از ایوان کسری به مدائن بزرگ‌تر (وهرام، ۱۳۴۹: ۲۱۹).</p> 	مسجد علیشاه: ۷۱۵-۷۱۶ ق (ایلیخانی)	۲
<p>کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها نشان‌دهنده دوستی و توالی سازنده نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام- است؛ یعنی قراقیونلوها مذهب شیعی داشته‌اند (کیسر صابر و پیروی، ۱۳۹۴: ۷۵). آیات و سوره‌های به کاررفته در کتیبه این مسجد آیات مکی و مدنی هستند. به این ترتیب که ۲۰ سوره از آیات قرآنی سوره‌های مکی و دو سوره است (کیسر صابر، «الیته» و «القجار» در مدینه نازل شده است. ۱۱ سوره انتخاب شده در این مسجد دارای حروف مقطعه است (شهبازی شیراز، حسینی نیا و کاظم پور، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۶).</p> 	<p>در نظام معماری مسجد عرصه بندی خصوصی- تعادل- معماری تیموری، علاوه بر آراستن فضاهای بدون حیاط- گنبد داخلی، به تزئین نمای خارجی آن نیز توجه محور تقارن شایانی شده است. ارتباط بین دو گنبدخانه هم سهل و هم متمتع (کیسر صابر، «الیته» و «القجار» در مدینه نازل شده است. ۱۱ سوره انتخاب شده در این مسجد دارای حروف مقطعه است (شهبازی شیراز، حسینی نیا و کاظم پور، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۶).</p> 	<p>فضای گنبد خانه‌ای- عرصه بندی خصوصی- تعادل- معماری تیموری، علاوه بر آراستن فضاهای بدون حیاط- گنبد داخلی، به تزئین نمای خارجی آن نیز توجه محور تقارن شایانی شده است. ارتباط بین دو گنبدخانه هم سهل و هم متمتع (کیسر صابر، «الیته» و «القجار» در مدینه نازل شده است. ۱۱ سوره انتخاب شده در این مسجد دارای حروف مقطعه است (شهبازی شیراز، حسینی نیا و کاظم پور، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۶).</p> 	<p>ساختمان به صورت برون‌گرا و بدون حیاط مرکزی می‌باشد. مسجد دارای ایوان عظیم و کشیده بوده و گنبدها در گذشته دویوخته بوده‌اند (کر بلائی حسینی غیاثوند، آیوازیان و شکاری، ۱۳۹۶: ۱۸۷). رعایت سلسله مراتب فضایی در این مسجد است که در همه مساجد ایرانی قابل مشاهده می‌باشد (نژاد ابراهیمی، قره بگلو و وفايي، ۱۳۹۷: ۳۰۰).</p>  	مسجد کیو قد قراقیونلو ۱۸۷۰ ق.	۳

جدول شماره ۴. بررسی مؤلفه‌های مبتنی بر عملکرد ظاهری (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

رتبه	موردی نمونه	مؤلفه‌های مبتنی بر عملکرد ظاهری			
		زبان الگوی انسان‌محور مخاطب‌محور	زبان الگوی پایداری اقلیم	زبان الگوی کیفیت فضایی	زبان الگوی ایستایی در خدمت معماری
۱	مسجد جامع (سلجوقیان)	طول این مسجد از آستانه پنجره تا محراب ۶۲ متر است و عرض قسمت وسطی که بالای آن طاق بسیار بلند و بزرگی ساخته شده، ۱۵ متر است. این طاق بسیار قوی و قطور است. آجرهای آن فوق‌العاده بزرگ و کلفت و پنج یا شش برابر آجرهای کنونی است (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۳۳).	کمترین تماس با فضا و قرارگیری در بین توده‌های فضایی؛ بهره‌گیری از نورهای سقفی جنوبی و سقفی شمالی؛ استفاده از شیشه‌های رنگی؛ بهره‌گیری از سقف‌های طاقی و بهره‌گیری از مصالح منطقه (معماریان، غفاری و قلیزاده، ۱۳۹۶: ۵۸).	در اینجا چهار مسجد دیده می‌شود و به نظر می‌رسد علت تعدد این مساجد مربوط به تعصبات و اختلافات مذهبی فرقه‌های مختلف دین اسلام بوده است (وهرام، ۱۳۴۹: ۲۰۸).	تاریخ دقیق ساختمان اولیه آن به درستی معلوم نیست، ولی این مسجد بر روی بنایی که احتمالاً در دوره سلجوقی ساخته شده، تجدید ساختمان شده است. ستون‌های سنگی کبودرنگ (وهرام، ۱۳۴۹: ۱۴). بالاتر از ۱۲ مدول در چیدمان ستون‌ها (معماریان، غفاری و قلیزاده، ۱۳۹۶: ۵۳).
۲	مسجد علیشاه: ۷۱۵-۱۳۴۶ (ایلخانی)	عرض دهانه ایوان ۳۰/۴ متر است. طول بنا پیش از تخریب دیوارهای شمالی ۶۵/۶ متر و عرض بنا ۵۱/۲ متر بوده است. محراب با بلندی ۳۰ متر بلندترین محراب جهان اسلام است (منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲: ۵۹).	در بیرون از سمت راست مدرسه و از سمت چپ زاویه‌ای وجود دارد و صحن آن با سنگ‌های مرمر فرش شده و دیوارها به وسیله کاشی که چیزی مانند زنج است، پوشانده شده و یک جوی آب از وسط آن می‌گذرد و انواع درختان، موها و یاسمن در آن به عمل آوردند (مجهول المؤلف، ۱۳۵۱: ۴۱).	این مجموعه در اصل از یک مسجد جامع، مدرسه، خانقاه و یک آرامگاه تشکیل شده است (آجرلو، ۱۳۸۱: ۱۳). در بالای بام دو منزلگاه کوچکی است برای دیدبان‌ها که به نوبه در آنجا باید ناظر باشند و حریق و سایر حوادث را اطلاع دهند (وهرام، ۱۳۴۹: ۲۲۵).	اسکلت آجری ارک علیشاه را با تکنیک شناژ تخته‌ای ساخته و با کاربرد روش صندوقچه چینی وزن آن را سبک کرده‌اند؛ به این شیوه که به عرض ۲/۵ متر از دیوارهای طرفین شرقی و غربی بنا را صندوقچه چینی کرده، باقیمانده دیوار (۷/۹ متر) را توپر ساخته‌اند (آجرلو، ۱۳۸۱: ۱۳).

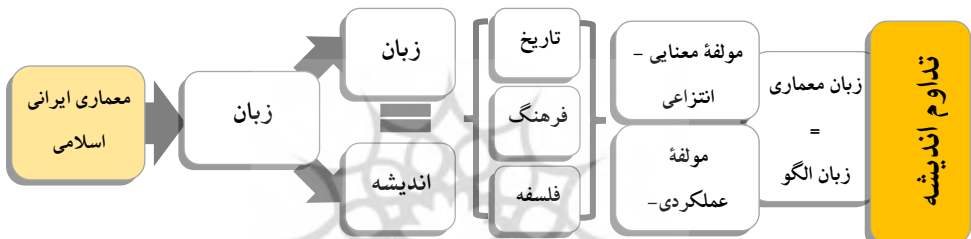


مؤلفه‌های مبتنی بر عملکرد ظاهری				تاریخ	مکان	ردیف
زبان الگوی ایستایی در خدمت معماری	زبان الگوی کیفیت فضایی	زبان الگوی پایداری اقلیم	زبان الگوی انسان‌محور مخاطب‌محور			
متأسفانه! در گذر زمان، شکوه و عمران مجموعه‌ی مظفریه چندان دوام نیاورد و به‌واسطه‌ی زمین‌لرزه‌های مکرر تبریز، آسیب دید و از هم پاشید و بقایای آن سال‌ها در بیرون از باروی شهر و با فاصله‌ی نه چندان زیاد از درب خیابان به صورت ویرانه‌ای رهاشده، درآمده بود (ذکاء، ۱۳۶۸: ۱۸۵/۳).	این مسجد شامل مقبره، کاروان‌سرا، حمام، باغ تاریخی و موقوفات زیادی بوده که وصف همه‌ی آنها در وقف‌نامه‌ی این اثر جاودانه نمایان است (انصاری و نژادابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۹). از نظر ترکیب حجمی، شاکله‌ی کلی این بنا حاصل اجتماع دو گنبدخانه است که یکی بزرگ‌تر و در نقش مسجد و دومی کوچک‌تر در نقش مقبره است (کربلایی حسینی غیاثوند، آیوازیان و شکاری، ۱۳۹۶: ۱۸۶).	از نظر فرمی، مسجد کبود در مقایسه با دیگر مساجد مشهور ایرانی، فاقد میانسرا است. راهکار انتخابی معمار سازنده‌ی مسجد کبود، سازگاری مطلوبی با وضعیت اقلیمی شهر تبریز (اقلیم سرد و کوهستانی) به وجود آورده است؛ به نحوی که تمام بخش‌های این مسجد می‌توانستند در فصول مختلف سال، به ایفای نقش عملکردی خود بپردازند (کربلایی حسینی غیاثوند، آیوازیان و شکاری، ۱۳۹۶: ۱۸۶).	به لحاظ وسعت جزء، مساجد متوسط شهر می‌باشد (معماربان، غفاری و قلبی‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۴). ارتفاع طاق جلوی این بنا پانزده ذرع تبریز است و دهه‌ی این طاق هفت ذرع و یک چارک کم، صفة جلوی این طاق پنج پله دارد که ارتفاع هر پله یک ذرع چارک کم می‌باشد. طول صفة تا در مسجد چهار ذرع و نیم است (وهرام، ۱۳۴۹: ۲۲۶).	مسجد کبود تبریز (مقبره‌ها)	۳	

نتیجه‌گیری

معماری ایرانی اسلامی در ادوار مختلف تاریخ تحت تأثیر اندیشه به اوج کمال و حد اعلای رسیده است. پیدایش این معماری نه اتفاقی بوده و نه تصادفی، بلکه باید آن را اوج تجلی تداوم اندیشه دانست که در تمامی آثار در طول ادوار تاریخی مشهود است. در این میان، مساجد و مجموعه‌های مذهبی به عنوان بنیادی‌ترین ساختار شهرهای اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری تداوم اندیشه داشته‌اند. سازندگان این مجموعه‌ها با توجه به دستاوردهای پیشینیان، کسب تجارب آنان و ایجاد تعامل میان اندیشه و زبان معماری، تداوم اندیشه‌ی معماری ایرانی-اسلامی را رقم زده‌اند؛ اندیشه‌ای که حاصل دو شاخصه برجسته است: فلسفه ارزشمند (مبتنی بر مفاهیم معنایی-انتزاعی) و فرهنگی، تاریخی ماندگار (مبتنی بر

سرانجام با بررسی تداوم اندیشه به عنوان زبان مشترک معماری مجموعه‌های مذهبی شهر تبریز در قرون هفتم تا هشتم قمری، می‌توان گفت معماری- ایرانی اسلامی در طول ادوار از یک شیوه و یا روش خاصی تبعیت نکرده است، بلکه این معماری بر محور اندیشه شکل یافته است که در طول ادوار تاریخی تداوم داشته و زبان مشترک را در معماری ایرانی اسلامی به وجود آورده است. در واقع، با مقایسه معماری غرب که بر محور سبک‌ها و مکاتب‌ها مدام تغییر روش داده‌اند، معماری ایرانی- اسلامی بر مبنای اندیشه شکل گرفته و این اندیشه در طول ادوار تکامل یافته و پیوسته مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ اندیشه‌ای که بر اساس مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و فلسفی می‌باشد.



دیاگرام ۴ (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

منابع و مأخذ

- آجرلو، بهرام (زمستان ۱۳۸۱)، «ایوان تبریز»، *دوفصلنامه باستان‌پژوهی*، ش ۵، ص ۱۰، صص ۱۲-۱۶.
- ابن بطوطه (۱۳۵۹)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۲.
- ابوالقاسمی، لطیف (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، *مجله آبادی*، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- اردلان، نادر (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، *مجله آبادی*، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰)، *معماری و راز جاودانگی*، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران: روزنه.
- اولیا، چلبی (۱۳۳۸)، *سیاحت‌نامه اولیا، چلبی (قسمت آذربایجان و تبریز)*، ترجمه حاج حسین نخجوانی، تبریز: [بی‌نا].

- انصاری، مجتبی و احد نژاد ابراهیمی (تابستان ۱۳۸۹)، «هندسه و تناسب در معماری دوره ترکمانان قویونلو - مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)»، کتاب ماه علوم و فنون، دوره دوم، ش ۱۲۹، صص ۳۵-۴۵.
- بلیلان، لیدا، ایرج اعتصام و سید غلامرضا اسلامی (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران»، مجله هویت شهر، ش ۸، صص ۵۹-۷۱.
- بلیلان، لیدا (۱۳۹۷)، دارالسلطنه تبریز «پایتخت ناشناخته مزارات ایران»، تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- بهنام، جمشید و شاپور راسخ (۱۳۴۸)، مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، چ ۳.
- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران «از آغاز تا سلسله قاجار»، تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پورجعفر، محمدرضا، منصور یگانه و مریم فراهانی (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «رویکردی تحلیلی بر تأثیر اندیشه ها در معماری و شهرسازی (تحلیل تطبیقی اندیشه های فلسفی و حکمی)، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، ش ۱۷، صص ۱۷۳-۱۸۳.
- پورحسن، قاسم (بهار ۱۳۸۵)، «ویتگشتاین: از زبان تصویری تا زبان تألیفی»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۴۹، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- پیرنیا، محمدکریم (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، مجله آبادی، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- توسلی، محمود (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، مجله آبادی، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- سلطانزاده، حسین (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، مجله آبادی، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- حائری، محمدرضا (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، مجله آبادی، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- خاکپور، مینو و فاطمه کاتب (تابستان ۱۳۹۶)، «بررسی معماری دینی در مسیحیت و اسلام با نقد نظریات تیتوس بورکهارت (مطالعه موردی: اصفهان)»، باغ نظر، س ۱۴، ش ۵۰، صص ۵۳-۶۴.
- دانش دوست، یعقوب (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، مجله آبادی، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- دیبا، داراب (تابستان ۱۳۷۸)، «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران»، فصلنامه معماری و فرهنگ، ش ۱، صص ۹۷-۱۱۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ذیل مدخل ذرع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکا، یحیی (۱۳۶۸)، تاریخ زمین لرزه های تبریز، ج ۳، تهران: انتشارات کتاب سرا.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۸۷)، فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی، تهران: انتشارات چهارطاق.

- شجاری، مرتضی، صفا سلخی خسرقی و مازیار آصفی (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز؛ با نگاهی به مفهوم حرکت در آراء ملاصدرا»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی حکمت معاصر*، س ۹، ش ۲، صص ۱۵۷-۱۷۶.
- شهبازی شیران، حبیب، سید مهدی حسینی‌نیا، مهدی کاظم‌پور (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «تحلیل تأثیر اعتقادات عرفان و تصوف بر مضامین و تزئینات کتیبه‌های مسجد کبود تبریز»، *نشریه فیروزه اسلام، پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی*، ش ۴، صص ۸۱-۹۶.
- صارمی، علی‌اکبر و تقی رادمرد (۱۳۷۶)، *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صحافی اصل، پریسا و حبیب‌الله آیت‌اللهی (پاییز ۱۳۹۰)، «بررسی تداوم عناصر تزئینی معماری ایران باستان در معماری دوره اسلامی ایران تا پایان دوره صفوی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی نگره*، ش ۱۹، صص ۶۳-۷۹.
- طهماسبی، احسان (بهار ۱۳۸۶)، «بررسی روش پوپ در تاریخ‌نویسی معماری ایران»، *فصلنامه گلستان هنر*، ش ۷، صص ۵۵-۶۴.
- فیشر، ساوول (۱۳۹۸)، «فلسفه معماری»، *دانشنامه فلسفه استنفورد*، ترجمه مهدی محمدی و حسین رهنما، تهران: انتشارات فکر نو.
- کبیر صابر، محمدباقر، حامد مظاهریان و مهناز پیروی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز»، *دوفصلنامه معماری ایرانی*، ش ۶، صص ۵-۲۳.
- کبیر صابر، محمدباقر و مهناز پیروی (بهار ۱۳۹۴)، «میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم قمری (مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی)»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ش ۶، صص ۶۸-۸۳.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۴۴)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان‌القرایی، جلد یک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل، سیمون آیوازیان و سمیه شکاری (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی زبان مشترک شعر و معماری در قرون هفتم تا نهم قمری در ایران (سبک معماری آذری و شعر سبک عراقی)»، *دوماهنامه معماری و شهرسازی ایران*، ش ۱۳، صص ۱۸۱-۱۹۵.
- کیانی، مصطفی، اشکان بهجو و نوشین راستین‌طهرانی (پاییز ۱۳۹۴)، «تداوم فضایی در معماری معاصر ایران و بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان*، ش ۳، صص ۵۲-۶۷.
- گلستانی، سعید، عیسی حجت و مهدی سعدوندی (زمستان ۱۳۹۶)، «جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران»، *نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۲*، ش ۴، صص ۲۹-۴۴.
- مجهول المؤلف (آذر ۱۳۵۱)، «ارک علیشاه تبریز»، *ماهنامه هنر و مردم*، ش ۱۲۲، صص ۴۱-۴۶.

- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶)، *دانشنامه نزهة القلوب*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران: طبع تهران.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- معماریان، غلامحسین، عباس غفاری و فرزانه قلزاده (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز»، *نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ش ۴، صص ۴۳-۶۴.
- منصوری، سید امیر و بهرام آجرلو (زمستان ۱۳۸۲)، «بازشناسی ارگ علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، ش ۱۶، صص ۵۷-۶۸.
- میرمیران، سید هادی (زمستان ۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، *مجله آبادی*، ش ۱۹، صص ۴-۴۵.
- نخجوانی، حسین (بهار ۱۳۴۳)، «مسجد جامع تبریز و شرح کتیبه‌های آن»، *نشریه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ش ۲۹، صص ۳۲-۴۱.
- نژادابراهیمی، احد، مینو قره‌بگلو و سید مسعود وفاپی (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)»، *دوماهنامه جاویدان خرد*، ش ۳۳، صص ۲۸۳-۳۰۶.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۹۵)، *سیر تحول معماری ایران*، ج ۱، تهران: سروش دانش.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۵)، *حکمت هنر اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- وهرام، مجید (زمستان ۱۳۴۹)، «بررسی چند آثار تاریخی تبریز»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، س ۵، ش ۶، صص ۱۹۳-۲۴۰.
- Giyasi, Jaafar A. (1991), *The Architectural Monuments of Nizami Period*, Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.